

هر جا پای عدم در میان است حتماً پای نقص در میان است

شماره پرسش: ۳۸۶۵

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۱/۱۲/۹ ۰۶:۰۰:۰۰

متن پرسش

با سلام خدمت استاد گرانقدر بنده بحث برهان صدیقین را همراه با سی دی آن مطالعه نمودم، با توجه به اینکه می فرمایید "هر جا پای عدم در میان است حتماً پای نقص در میان است و هر جا پای وجود در میان است حتماً پای کمال در میان است و هر صفت کمالی که در نظر بگیریم خداوند عین آن صفت است؛" در مورد صفت "کذب (دروغ)" که برابر است با "عدم صدق"، و چون صدق کمال است پس خداوند عین صدق است، یعنی کذب یک صفت عدمی و نقصی است و نمی تواند منشأ اثر باشد. با توجه به اینکه ما مواضعی داریم که دروغ گفتن در آنها جایز است مثلاً جایی که اگر مرتکب دروغ نشویم مفسده ای بر آن مترتب می شود مثلاً باعث قتل مسلمانی یا بر باد رفتن آبروی وی و غیره می شود و این یعنی اینکه ما از یک صفت عدمی و نقصی برای رسیدن به یک صفت کمالی استفاده نموده ایم؛ سؤال این است که در رسیدن به یک صفت کمالی چگونه ممکن است یک صفت نقصی و عدمی منشأ اثر باشد و حال آنکه عدم یعنی وجودی ندارد که بخواهد در وجود وارد شود؟ سؤال دوم اینکه با توجه به کتاب معراج السعاده، "غضب" عبارتست از "عدم حلم" و شاید هم "عدم رحمت"، و غضب یک صفت نقصی و عدمی و حلم یا رحمت یک صفت وجودی و کمالی است، با توجه به اینکه خداوند هم غضب دارد و هم حلم و رحمت، چگونه می توان این مطلب را توجیه کرد؟ خواهشمندم جواب سؤالات را مفصلاً بیان فرمایید. با تشکر فراوان

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- علماء علم اخلاق سخنشان آن است که در عالم تزاحم، یعنی عالم ماده راست حقیقی همان است که شریعت فرموده، پس عملاً شما از طریق دروغ به کمالی نرسیده‌اید. از طرفی در عالم ماده بحث دفع افسد به فاسد در میان است ۲- غضب برای خداوند به معنای سلب رحمت است یعنی خدا غضب ندارد بلکه رحمت خود را که می‌گیرد چیزی ظاهر می‌شود برای انسان که به آن غضب می‌گویند چون اعتقاد به توحید اقتضاء می‌کند که برای خداوند در ذات تغییر حالت قائل نباشیم. موفق باشید